

سرمرقاله

از رؤیای سقوط تا تمنای آشوب!؟

ادامه از صفحه اول
مردم ممکن است حکومت را نقد کنند، اما وقتی احساس کنند اعتراضشان قرار است به ابزار عملیات یک کشور خارجی تبدیل شود، رفتارشان تغییر می‌کند. حتی بخشی از منتقدان حکومت نیز در چنین شرایطی حاضر نیستند میان اصلاح یا تغییر در داخل و پروژه سیاسی یک قدرت خارجی، یکی را به جای دیگری بنشانند. اگر واقعاً تصور ترامپ این است که با تشدید فشار اقتصادی می‌تواند جامعه ایران را به شورش برساند، این تصور بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، نشانه فقر شناخت از جامعه ایران است. جامعه‌ای ناطمینانی زدگی کرده، الزاماً در برابر هر فشار تازه‌ای مطابق نقشه طراحان آن فشار رفتار نمی‌کند.اتفاقاً در موارد بسیاری، فشار خارجی به جای آنکه شکاف دولت و ملت را به شورش تبدیل کند، بخشی از جامعه را به این جمع‌بندی می‌رساند که اختلافات داخلی را باید در داخل حل کرد و اجازه نداد بیگانگان برای آینده کشور تصمیم بگیرند.

نکته مهم‌تر آنکه شورش با نارضایتی تفاوت دارد و نارضایتی با انقلاب هم یکی نیست. نتایج نظرسنجی‌های اخیر نیز، با وجود تفاوت روش‌ها و محدودیت‌های طبیعی چنین سنجش‌هایی، نشان می‌دهد که نارضایتی اقتصادی الزاماً به معنای حمایت از شورش خشونت‌آمیز یا پذیرش مداخله خارجی نیست و بخش قابل توجهی از جامعه، در شرایط جنگی، اعتراض خیابانی را در صورت پیوند خوردن با دشمن خارجی، تهدیدی علیه کشور می‌داند. مسئله امروز فقط این نیست که ترامپ درباره آینده حکومت ایران چه تصویری دارد؛ مسئله مهم‌تر این است که او درباره جامعه ایران چه تصویری دارد. اگر جامعه ایران را مجموعه‌ای از افراد ناراضی ببیند که کافی است فشار اقتصادی به نقطه معینی برسد تا به خیابان بیایند، احتمالاً با یک خطای راهبردی روبه‌روست. ایران را نمی‌توان صرفاً از دریچه شاخص‌های اقتصادی یا میزان نارضایتی سیاسی فهمید. در این جامعه، مفهوم «ایران» همچنان یک متغیر مستقل سیاسی است؛ متغیری که حتی در شدیدترین اختلافات داخلی نیز نمی‌توان آن را حذف کرد. شاید به همین دلیل است که فاصله میان ادعای سرنگونی و درخواست برای شورش داخلی، هر روز بیشتر آشکار می‌شود. وقتی یک قدرت خارجی از ادعای تغییر حکومت به جایی می‌رسد که از مردم همان کشور می‌خواهد علیه حکومتشان قیام کنند، در واقع یک چیز را پذیرفته است و آن اینکه قدرت خارجی به تنهایی قادر به تحقق رؤیای خود نیست و به جامعه‌ای نیاز دارد که هنوز حاضر نشده مطابق نقشه او بازی کند. این شاید مهم‌ترین تناقض سیاست امروز آمریکا در برابر ایران باشد. ترامپ می‌تواند اقتصاد ایران را تحت فشار بگذارد؛ می‌تواند تهدید کند؛ می‌تواند حمله کند؛ اما نمی‌تواند تعیین کند که ایرانیان از نارضایتی خود چه نتیجه سیاسی بگیرند. مردم ایران ممکن است از حکومت خود ناراضی باشند، اما این نارضایتی الزماً آنها را به سرباز پروژه آمریکا تبدیل نمی‌کند. تاریخ ایران، برخلاف گذشته، شاهد را از لایه‌لای کتاب‌ها نمی‌آورد؛ شاهد همین امروز جلوی چشم مردم است. حالا،حالا، تابلوی تصاویر دخترکان مدرسه میناب، مردم مظلوم لامرد، عروس و داماد سیریک، یک B1 و... به‌عنوان سند رسیده ادعاهای آمریکایی‌ها، در دست و سینه تک‌تک مردم ایران فریاد می‌زنند. شاید تاریخ فردا درباره این روزها قضاوت کند؛ اما قضاوت مردم از همین امروز آغاز شده است. گاهی یک تصویر، از هزار صفحه تاریخ گویاتر است.

سرمرقاله

از رؤیای سقوط تا تمنای آشوب!؟

ادامه از صفحه اول
مردم ممکن است حکومت را نقد کنند، اما وقتی احساس کنند اعتراضشان قرار است به ابزار عملیات یک کشور خارجی تبدیل شود، رفتارشان تغییر می‌کند. حتی بخشی از منتقدان حکومت نیز در چنین شرایطی حاضر نیستند میان اصلاح یا تغییر در داخل و پروژه سیاسی یک قدرت خارجی، یکی را به جای دیگری بنشانند. اگر واقعاً تصور ترامپ این است که با تشدید فشار اقتصادی می‌تواند جامعه ایران را به شورش برساند، این تصور بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، نشانه فقر شناخت از جامعه ایران است. جامعه‌ای ناطمینانی زدگی کرده، الزاماً در برابر هر فشار تازه‌ای مطابق نقشه طراحان آن فشار رفتار نمی‌کند.اتفاقاً در موارد بسیاری، فشار خارجی به جای آنکه شکاف دولت و ملت را به شورش تبدیل کند، بخشی از جامعه را به این جمع‌بندی می‌رساند که اختلافات داخلی را باید در داخل حل کرد و اجازه نداد بیگانگان برای آینده کشور تصمیم بگیرند.

نکته مهم‌تر آنکه شورش با نارضایتی تفاوت دارد و نارضایتی با انقلاب هم یکی نیست. نتایج نظرسنجی‌های اخیر نیز، با وجود تفاوت روش‌ها و محدودیت‌های طبیعی چنین سنجش‌هایی، نشان می‌دهد که نارضایتی اقتصادی الزاماً به معنای حمایت از شورش خشونت‌آمیز یا پذیرش مداخله خارجی نیست و بخش قابل توجهی از جامعه، در شرایط جنگی، اعتراض خیابانی را در صورت پیوند خوردن با دشمن خارجی، تهدیدی علیه کشور می‌داند. مسئله امروز فقط این نیست که ترامپ درباره آینده حکومت ایران چه تصویری دارد؛ مسئله مهم‌تر این است که او درباره جامعه ایران چه تصویری دارد. اگر جامعه ایران را مجموعه‌ای از افراد ناراضی ببیند که کافی است فشار اقتصادی به نقطه معینی برسد تا به خیابان بیایند، احتمالاً با یک خطای راهبردی روبه‌روست. ایران را نمی‌توان صرفاً از دریچه شاخص‌های اقتصادی یا میزان نارضایتی سیاسی فهمید. در این جامعه، مفهوم «ایران» همچنان یک متغیر مستقل سیاسی است؛ متغیری که حتی در شدیدترین اختلافات داخلی نیز نمی‌توان آن را حذف کرد. شاید به همین دلیل است که فاصله میان ادعای سرنگونی و درخواست برای شورش داخلی، هر روز بیشتر آشکار می‌شود. وقتی یک قدرت خارجی از ادعای تغییر حکومت به جایی می‌رسد که از مردم همان کشور می‌خواهد علیه حکومتشان قیام کنند، در واقع یک چیز را پذیرفته است و آن اینکه قدرت خارجی به تنهایی قادر به تحقق رؤیای خود نیست و به جامعه‌ای نیاز دارد که هنوز حاضر نشده مطابق نقشه او بازی کند. این شاید مهم‌ترین تناقض سیاست امروز آمریکا در برابر ایران باشد. ترامپ می‌تواند اقتصاد ایران را تحت فشار بگذارد؛ می‌تواند تهدید کند؛ می‌تواند حمله کند؛ اما نمی‌تواند تعیین کند که ایرانیان از نارضایتی خود چه نتیجه سیاسی بگیرند. مردم ایران ممکن است از حکومت خود ناراضی باشند، اما این نارضایتی الزماً آنها را به سرباز پروژه آمریکا تبدیل نمی‌کند. تاریخ ایران، برخلاف گذشته، شاهد را از لایه‌لای کتاب‌ها نمی‌آورد؛ شاهد همین امروز جلوی چشم مردم است. حالا،حالا، تابلوی تصاویر دخترکان مدرسه میناب، مردم مظلوم لامرد، عروس و داماد سیریک، یک B1 و... به‌عنوان سند رسیده ادعاهای آمریکایی‌ها، در دست و سینه تک‌تک مردم ایران فریاد می‌زنند. شاید تاریخ فردا درباره این روزها قضاوت کند؛ اما قضاوت مردم از همین امروز آغاز شده است. گاهی یک تصویر، از هزار صفحه تاریخ گویاتر است.

سرمرقاله

از رؤیای سقوط تا تمنای آشوب!؟

ادامه از صفحه اول
مردم ممکن است حکومت را نقد کنند، اما وقتی احساس کنند اعتراضشان قرار است به ابزار عملیات یک کشور خارجی تبدیل شود، رفتارشان تغییر می‌کند. حتی بخشی از منتقدان حکومت نیز در چنین شرایطی حاضر نیستند میان اصلاح یا تغییر در داخل و پروژه سیاسی یک قدرت خارجی، یکی را به جای دیگری بنشانند. اگر واقعاً تصور ترامپ این است که با تشدید فشار اقتصادی می‌تواند جامعه ایران را به شورش برساند، این تصور بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، نشانه فقر شناخت از جامعه ایران است. جامعه‌ای ناطمینانی زدگی کرده، الزاماً در برابر هر فشار تازه‌ای مطابق نقشه طراحان آن فشار رفتار نمی‌کند.اتفاقاً در موارد بسیاری، فشار خارجی به جای آنکه شکاف دولت و ملت را به شورش تبدیل کند، بخشی از جامعه را به این جمع‌بندی می‌رساند که اختلافات داخلی را باید در داخل حل کرد و اجازه نداد بیگانگان برای آینده کشور تصمیم بگیرند.

نکته مهم‌تر آنکه شورش با نارضایتی تفاوت دارد و نارضایتی با انقلاب هم یکی نیست. نتایج نظرسنجی‌های اخیر نیز، با وجود تفاوت روش‌ها و محدودیت‌های طبیعی چنین سنجش‌هایی، نشان می‌دهد که نارضایتی اقتصادی الزاماً به معنای حمایت از شورش خشونت‌آمیز یا پذیرش مداخله خارجی نیست و بخش قابل توجهی از جامعه، در شرایط جنگی، اعتراض خیابانی را در صورت پیوند خوردن با دشمن خارجی، تهدیدی علیه کشور می‌داند. مسئله امروز فقط این نیست که ترامپ درباره آینده حکومت ایران چه تصویری دارد؛ مسئله مهم‌تر این است که او درباره جامعه ایران چه تصویری دارد. اگر جامعه ایران را مجموعه‌ای از افراد ناراضی ببیند که کافی است فشار اقتصادی به نقطه معینی برسد تا به خیابان بیایند، احتمالاً با یک خطای راهبردی روبه‌روست. ایران را نمی‌توان صرفاً از دریچه شاخص‌های اقتصادی یا میزان نارضایتی سیاسی فهمید. در این جامعه، مفهوم «ایران» همچنان یک متغیر مستقل سیاسی است؛ متغیری که حتی در شدیدترین اختلافات داخلی نیز نمی‌توان آن را حذف کرد. شاید به همین دلیل است که فاصله میان ادعای سرنگونی و درخواست برای شورش داخلی، هر روز بیشتر آشکار می‌شود. وقتی یک قدرت خارجی از ادعای تغییر حکومت به جایی می‌رسد که از مردم همان کشور می‌خواهد علیه حکومتشان قیام کنند، در واقع یک چیز را پذیرفته است و آن اینکه قدرت خارجی به تنهایی قادر به تحقق رؤیای خود نیست و به جامعه‌ای نیاز دارد که هنوز حاضر نشده مطابق نقشه او بازی کند. این شاید مهم‌ترین تناقض سیاست امروز آمریکا در برابر ایران باشد. ترامپ می‌تواند اقتصاد ایران را تحت فشار بگذارد؛ می‌تواند تهدید کند؛ می‌تواند حمله کند؛ اما نمی‌تواند تعیین کند که ایرانیان از نارضایتی خود چه نتیجه سیاسی بگیرند. مردم ایران ممکن است از حکومت خود ناراضی باشند، اما این نارضایتی الزماً آنها را به سرباز پروژه آمریکا تبدیل نمی‌کند. تاریخ ایران، برخلاف گذشته، شاهد را از لایه‌لای کتاب‌ها نمی‌آورد؛ شاهد همین امروز جلوی چشم مردم است. حالا،حالا، تابلوی تصاویر دخترکان مدرسه میناب، مردم مظلوم لامرد، عروس و داماد سیریک، یک B1 و... به‌عنوان سند رسیده ادعاهای آمریکایی‌ها، در دست و سینه تک‌تک مردم ایران فریاد می‌زنند. شاید تاریخ فردا درباره این روزها قضاوت کند؛ اما قضاوت مردم از همین امروز آغاز شده است. گاهی یک تصویر، از هزار صفحه تاریخ گویاتر است.

در جنگ تاب‌آوری، چه کسی واقعاً دیگری را محاصره کرده است؟

زور آزمایی تهران وواشنگتن در آزمون تاب‌آوری

در جنگ تاب‌آوری، پیروزی فقط با تعداد موشک‌ها و اهداف منهدم‌شده سنجیده نمی‌شود؛ معیار اصلی، توان ادامه جنگ است. آمریکا صادرات نفت ایران را هدف گرفته، اما فشار ایران بر زنجیره لجستیک آمریکا، هزینه جنگ را از میدان نبرد به سوخت، بیمه، اوراق و سیاست داخلی این کشور منتقل کرده و تاب‌آوری واشنگتن را به سوی بحران هدایت کرده است.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.



این همان چیزی است که می‌توان از آن با عنوان «جنگ تاب‌آوری» یاد کرد؛ جنگی که در آن پیروزی فقط با میزان خسارت وارده‌شده سنجیده نمی‌شود، بلکه با توان طرفین برای تحمل هزینه و حفظ ظرفیت عملیاتی برآورد می‌شود. در چنین جنگی، هر اقدامی که هزینه ادامه جنگ را افزایش دهد، حتی اگر مستقیماً یک هدف نظامی را منهدم نکند، بخشی از نبرد محسوب می‌شود. نشانه‌های این مسئله اکنون در گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی درباره وضعیت ارتش آمریکا در منطقه دیده می‌شود. نیویورک‌تایمز در گزارشی درباره مشکلات لجستیکی نیروی دریایی آمریکا، تصویری کم‌سابقه از دشواری تأمین نیرویی ارائه کرده که حدود ۲۰ کشتی و ۲۰ هزار ملوان و تفنگدار دریایی را در منطقه مستقر کرده است. تأمین این نیرو به بیش از ۲۴۰ هزار وعده غذا و حدود ۸ میلیون گالن سوخت در هفته نیاز دارد. پس از آسیب دیدن پایگاه اصلی پشتیبانی آمریکا در بحرین، دیگو گارسیا، در فاصله حدود ۲۳۰۰ مایلی منطقه عملیات به یکی از مراکز اصلی تأمین تبدیل شده و سنگاپور نیز به عنوان گزینه بعدی حدود ۳۷۰۰ مایل از منطقه نبرد فاصله

دارد. نتیجه، اتکای بیشتر به سوخت‌رسانی و تأمین مجدد در دریاست؛ اقدامی که تقریباً هر پنج تا شش روز نیاز باید تکرار شود. این اعداد صرفاً آمار لجستیکی نیستند؛ ترجمه عملی مفهوم تاب‌آوری‌اند. چند هفته قبل یک مقام مطلع نظامی ایران به نوزنیوز اعلام کرد که ایران شبکه تجاری و دریایی پشتیبان عملیات نظامی آمریکا را با دقت رصد می‌کند و اطلاعات مربوط به آن را مستند می‌سازد. وی تأکید کرد که کشتی‌های تجاری، شرکت‌های حمل‌ونقل، اپراتورها، بندر و ارائه‌دهندگان خدمات لجستیکی، هنگامی که در خدمت تأمین عملیات نظامی آمریکا قرار می‌گیرند، نمی‌توانند صرفاً به عنوان یک فعالیت تجاری دیده شوند و به عنوان اهداف نظامی تلقی خواهند شد. این اظهارات اکنون در کنار گزارش‌های آمریکایی درباره دشواری تأمین ناوگان، معنای مهم‌تری پیدا می‌کند: فشاردهندگان ایران بر زنجیره آمادی، بخشی از میدان جنگ ایران است، نه حاشیه آن. نمونه روشن‌تر را می‌توان در سرنوشت ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن دید. این ناو پس از حدود ۲۸۶ روز استقرار پیوسته در دریا، سرانجام به تایلند رسید؛ طولانی‌ترین استقرار آن در این مأموریت. گزارش‌ها درباره فشار ناشی از این استقرار طولانی بر خدمه، فرسودگی تجهیزات و نیاز ناو به توقف و بازرایی، نشان می‌دهد که حتی یک سکوی عظیم نظامی نیز از مسئله زمان و لجستیک مصون نیست. در واقع، وضعیت لینکلن را می‌توان یکی از نشانه‌های هزینه‌ای دانست که فاصله گرفتن غیر قابل اجتناب زنجیره پشتیبانی از میدان عملیات ایجاد می‌کند؛ قدرتی که برای ماندن در میدان، بیش از گذشته به زمان، سوخت، قطعات و پشتیبانی نیاز دارد.

جنگ دوم، نتایج، اتکای بیشتر به سوخت‌رسانی و تأمین مجدد در دریاست؛ اقدامی که تقریباً هر پنج تا شش روز نیاز باید تکرار شود. این اعداد صرفاً آمار لجستیکی نیستند؛ ترجمه عملی مفهوم تاب‌آوری‌اند. چند هفته قبل یک مقام مطلع نظامی ایران به نوزنیوز اعلام کرد که ایران شبکه تجاری و دریایی پشتیبان عملیات نظامی آمریکا را با دقت رصد می‌کند و اطلاعات مربوط به آن را مستند می‌سازد. وی تأکید کرد که کشتی‌های تجاری، شرکت‌های حمل‌ونقل، اپراتورها، بندر و ارائه‌دهندگان

جغرافیایی الزاماً به معنای عمق راهبردی نیست. آمریکا می‌تواند نیروهایش را از خلیج فارس به اردن منتقل کند، پایگاه‌هایش را پراکنده کند و مراکز پشتیبانی را عقب‌تر ببرد؛ اما دلیل برد موثر و دقیق موشکی و پهپادی ایران، لایه‌های عقب‌تر نیز در معرض تهدید مستمر قرار دارند و از این رو «عقب‌نشینی» الزاماً به معنای خروج از میدان تهدید نیست.

در چنین شرایطی، هرچه آمریکا برای ایجاد فاصله بیشتر عقب می‌رود، زنجیره لجستیکی او نیز طولانی‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود. قابلیت‌های در مقابل، ایران اساساً در جغرافیای خودش می‌جنگد. ایران از شمال به دریای خزر، از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از شرق و غرب به مرزهای زمینی متصل است. بنابراین برای آمریکا بتواند یک شریان مشخص مانند صادرات نفت از هرمز را تحت فشار قرار دهد، سخن گفتن از محاصره جغرافیایی کامل ایران بی‌معنی است. آنچه آمریکا توانسته هدف قرار دهد، یکی از گلوگاه اقتصادی ایران است؛ نه تمام راه‌های ارتباطی موجود.

اما آمریکا برای حفظ جنگ در منطقه، به شبکه‌ای بسیار گسترده‌تر وابسته است: پایگاه، بندر، کشتی تدارکاتی، سوخت، مهمات، قطعات، هواپیما، نیروی انسانی و مسیرهای حمل‌ونقل. اگر هر یک از این حلقه‌ها نامنق یا پرهزینه شود، اثر آن به حلقه بعدی منتقل می‌شود. این اثر اکنون به صورت آشکار از میدان نظامی به بازار اهمیت سیاسی این زنجیره نیز کمتر از آثار اقتصادی آن نیست. انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در ماه نوامبر در حالی نزدیک می‌شود که قیمت

جنگ تاب‌آوری، چه کسی واقعاً دیگری را محاصره کرده است؟

در جنگ تاب‌آوری، پیروزی فقط با تعداد موشک‌ها و اهداف منهدم‌شده سنجیده نمی‌شود؛ معیار اصلی، توان ادامه جنگ است. آمریکا صادرات نفت ایران را هدف گرفته، اما فشار ایران بر زنجیره لجستیک آمریکا، هزینه جنگ را از میدان نبرد به سوخت، بیمه، اوراق و سیاست داخلی این کشور منتقل کرده و تاب‌آوری واشنگتن را به سوی بحران هدایت کرده است.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

در جنگ‌های طولانی، مسئله فقط توانایی وارد کردن ضربه نیست؛ مسئله مهم‌تر، توانایی ادامه دادن پس از دریافت ضربه است. ممکن است یک طرف در میدان نبرد همچنان از برتری تسلیحاتی برخوردار باشد، اما اگر برای حفظ همان قدرت مجبور شود مسیرهای تأمین خود را طولانی‌تر کند، پایگاه‌های پیشتری را برای حفاظت در نظر بگیرد، ناوهایش را مدت بیشتری بدون توقف در دریا نگه دارد و هزینه انرژی و لجستیکش را افزایش دهد، معادله جنگ به تدریج تغییر می‌کند.

سیاست روز

اخبار

کراسنوف با محسنی اژه ای دیدار کرد
تجلیل عالی‌ترین مقام قضایی روسیه از مقاومت ملت ایران



رئیس دیوان عالی فدراسیون روسیه عالی ترین مقام قضایی این کشور در دیدار با حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه کشورمان، مقاومت و شجاعت تزلزل‌ناپذیر مردم ایران را در خور احترام دانست و حمایت مسکو از تهران را یادآوری کرد.

به گزارش ایرنا از رسانه‌های روسیه، این سخنان را ایگور کراسنوف روز جمعه در دیدار با حجت‌الاسلام و المسلمین غلامحسین محسنی‌اژای در حاشیه نشست سران قضایی کشورهای عضو گروه بریکس در دهلی‌نو پایتخت هند بیان کرد.

رئیس دیوان عالی روسیه تصریح کرد: امروز، کشورهای ما با فشار خارجی بی‌سابقه، رویکردهای سیاسی به قوانین بین‌المللی و تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی روبه‌رو هستند و در این شرایط، ما به عزم راسخ خود برای دفاع از استقلال کشورهایمان متحد هستیم. کراسنوف با اشاره به دیدار دهم شهریور ۱۴۰۵ رؤسای جمهور ایران و روسیه در حاشیه اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در بیشکک گفت: تهران و مسکو در این دیدار تعهد خود را به توسعه روابط دوستانه دو کشور اعلام کردند. عالی‌ترین مقام قضایی روسیه با اشاره به پیوستن ایران به گروه بریکس از دی‌ماه ۱۴۰۲ گفت: مشارکت تهران در همکاری‌های قضایی بریکس، فرصت‌های جدیدی را برای همکاری دو کشور در این عرصه فراهم می‌کند. کراسنوف در این دیدار بر اهمیت بحث در مورد آینده عدالت در مجمعی که اصول اصلی آن برابری، احترام به حاکمیت ملی و تشکیل جهای عادلانه و بی‌طرفانه‌ای باشد، تأکید کرد.

دیوان عالی فدراسیون روسیه گزارش داد که مقامات ارشد قضایی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در این دیدار ابزار امنیان کردند که با تلاش‌های مشترک، قادر خواهند بود که رویکردهای قضایی یکپارچه و مؤثری را برای حمایت از مشاغل فرامرزی و سرمایه‌گذاران واقعی اتخاذ کنند. در این دیدار، رئیس دیوان عالی روسیه برای تقویت روابط در بخش قضایی، پیشنهاد ایجاد یک چارچوب قانونی برای اعتماد و انعقاد یک توافقنامه همکاری با قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران را مطرح کرد.

به گزارش ایرنا، رئیس قوه قضاییه در صدر هیات عالی رتبه قضایی با حقوقی به‌منظور شرکت در نشست سران قضایی کشورهای عضو بریکس به دهلی‌نو سفر کرده است. به گزارش ایرنا، جمهوری اسلامی ایران، برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، مصر، اتیوپی، امارات متحده عربی و اندونزی اعضای گروه بریکس را تشکیل می‌دهند. هند در سال ۲۰۲۶ میلادی رئیس‌دوره‌ای این گروه را برعهده دارد. در شانزدهمین اجلاس سران در کازان روسیه (آبان ۱۴۰۳)، جایگاه جدیدی تحت عنوان «کشورهای شریک» در گروه بریکس پایه‌گذاری شد که مرحله‌ای الزامی پیش از پیوستن رسمی به این ائتلاف محسوب می‌شود.

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۳۱۰۴ مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۴ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزاگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

آقای سعید محرمی به شماره شناسنامه ۷۴۲ و کد ملی ۲۸۳۰۷۵۸۲۴۵ صادره از ماکو فرزند محرم در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۷۱ مترمربع قسمنی از پلاک شماره-فرعی از ۵- اصلی واقع در استان آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اسماعیل اسماعیل پور

پرونده ی کلاسه ۱۴۰۵-۶۴-۱۴ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۶/۱۴ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۶/۲۹ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

مسکرا اسماعیلی
سروپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو ۳۹۸۹

شنامه ۲۲۶۸۲۹۰

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۳۳۴۳ مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۸ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزاگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

آقای امیر ساکاتلو به شماره شناسنامه ۱۲ و کد ملی ۲۸۳۰۹۳۰۳۳۹ صادره از ماکو فرزند محمد حسین در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۱۷/۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره-فرعی از ۵- اصلی واقع در استان آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای غلامحسین وسیف اله صادقی پرونده ی کلاسه ۱۴۰۴-۹۸-۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۶/۱۴ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۶/۲۹ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

مسکرا اسماعیلی
سروپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو ۳۹۹۱

شنامه ۲۲۶۸۲۹۳

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۱۹۴ مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۴ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزاگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

آقای رضا اساری اوچاقی به شماره شناسنامه ۱۷۵۴ و کد ملی ۲۸۵۲۰۶۸۵۲-۰۷۴ صادره از فرزند رسول در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۴۲۲/۲۷ مترمربع قسمتی از پلاک شماره-فرعی از ۲۷- اصلی واقع در استان آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای ابراهیم ساری اوچاقی پرونده ی کلاسه ۱۴۰۴-۶۸۵۲-۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۶/۱۴ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۶/۲۹ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

سروپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو ۳۹۸۸
مسکرا اسماعیلی

شنامه ۲۲۶۸۲۹۴

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۳۸۸ مورخ ۱۴۰۵/۵/۳۱ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزاگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

خاتم اکرم صادقی بازرگانی به شماره شناسنامه ۷۴۵ و کد ملی ۲۸۳۰۳۵۳۴۴۹ صادره از ماکو فرزند حسن در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره-فرعی از ۱۴- اصلی واقع در استان آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای رضایی باباآزاد پرونده ی کلاسه ۱۴۰۴-۶۷۲-۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۶/۱۴ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۶/۲۹ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

مسکرا اسماعیلی
سروپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو ۳۹۹۴

شنامه ۲۲۶۸۲۹۶

مفقودی:

برگ سبز سواری سایپا به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره شهرداری ۵۴۳ از ۴۹ ایران ۸۷ به شماره موتور ۳۷۱۳۲۹۱ و شماره شاسی SJ۴۲۲۲۸۱۹۱۸۱۷۴ به نام عصمت عباسی مفقود و از درجه اعتبار مساقط می باشد .

سند ویرک سبز سواری سمند مدل ۱۳۸۱ رنگ مشکی شماره پلاک ۵۹۱ ج ۱۱۲ ایران ۴۹ شماره موتور ۳۲۹۰۸۱۱۰۶۵ شماره شاسی ۸۱۲۱۰۲۸۹ به نام فرشاد آفتاب مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد

مدرک پروانه بهداشتی دامداری به شماره: ۱۰۶۰۴۰/تاریخ: ۸۸/۵/۱۱ شماره و تاریخ پروانه تاسیس: ۱۱۷۱۲۹۶/۲۱۴۰۴ آدرس: یاسوج ،روستای تنگ سبز، متعلق به جناب سیدابا موسوی مفقود گردیده و فاقد درجه اعتبار میباشد

حبيب الهامی
رئيس اداره ثبت اسنادو املاک کشور ۳۹۹۳